

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۸ اپریل ۲۰۱۸

"اردوخان" سرانجام "دوستم" را فروخت!

شنبه- ۱۸ حمل ۲۰۱۸ - کابل: چندی قبل به خصوص بعد از کنفرانس تاشکند و مسافرت پسر "دوستم" در معیت "غنی احمدزی" به ازبیکستان، آوازه هائی به وجود آمد که گویا "غنی احمدزی" باز هم می خواهد از "دوستم" استفاده ابزاری نموده از وی در انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری آینده سوءاستفاده نماید، با آن که ممکن است در این افواه گوشه هائی از حقیقت وجود داشته باشد، مگر به نظر من قضیه در جای دیگر است. یعنی:

۱- قبل از همه باید بر یک نکته تأکید ورزید که تمام سردمداران حاکمیت دست نشانده، اعم از پشتون، تاجیک، ازبیک، هزاره و ... صرف نظر از تعلق قومی آنها، همه و بدون استثناء همه، نوکر و جاسوس یک و یا چند کشور اجنبی بوده، هیچ حرکت آنها به همان سانی که در جهت تأمین منافع مردم افغانستان و سر بلندی و اعمار کشور نیست، به همان سان مستقل نبوده، هر آنچه انجام می دهند، به دستور بداران شان می باشد.

۲- روند فروش "دوستم" به وسیله "اردوخان" و خرید آن توسط "غنی احمدزی" خلاف تصور همگان از کنفرانس تاشکند آغاز نیافته، بلکه از همان نخستین روز هائی که دولت دست نشانده تصمیم گرفت تا یکی از خواستهای دولت ترکیه مبنی بر سپردن اداره مکاتب "افغان-ترک" را به آن دولت و کوتاه ساختن دست "گولن" از آنها، کاملاً مشهود بود که دولت دست نشانده در بدل سپردن چند نفر از معلمان ترکی و زیر پای نمودن یکی از سنن دیرپای مردم افغانستان، چیزی می خواهد. اینهم کاملاً روشن بود که آن چیز به غیر از اخراج "دوستم" از ترکیه و سپردنش به دولت دست نشانده چیز دیگری نخواهد بود.

۳- وقتی ماه گذشته دولت دست نشانده علی رغم مخالفتها و زارناله های افرادی چند، بر داستان مکاتب "افغان-ترک" مهر پایان گذاشت و آنها را رسماً به دولت ترکیه سپرد، واضح بود که دولت ترکیه نیز باید به تعهدش عمل نموده، "دوستم" را از خاکش بیرون می نمود. در اینجا نزاکتی که وجود داشت از یک سو جایگاه "دوستم" در بین مردم عوام ترک است که به اساس تبلیغات گمراه کننده در آن کشور "صلاح الدین ایوبی" دوم لقب گرفته از سوی دیگر مناسبات فوق حسنه "دوستم" با جنرالهای ترکیست. گذشته از این دو عامل "اردوخان" نیز نمی خواهد در آستانه زنده ساختن تخیلات بیمارگونه احیای امپراتوری عثمانی، خود را شخص غیر قابل اعتماد در قبال متحدانش معرفی بدارد. مهمتر از همه اینها آمادگی روسها از طریق نفوذی که در کشور های آسیای میانه دارد برای پذیرائی از وی بود.

۴- وقتی تمام این عوامل روی هم گذاشته می شوند، دیده می شود که فروش و حراج "دوستم" نمی توانست به شکل افتضاح آمیز آن صورت گیرد، در نتیجه بایست بینی خمیری دعوت "غنی احمدزی" از وی ساخته می شد تا هم "دوستم" به جنگال فاشیسم قبیله ئی در می آمد و هم آنهایی که به وی پشت نموده اند، نزد عوام افشاء و بی هویت نمی شدند.

۵- مسافرت صدراعظم ترکیه به افغانستان، دقیقاً به همین منظور صورت گرفته، دیر یا زود همه ما شاهد برگشتن "دوستم" خواهیم گردید. این که در افغانستان چه چیزی در انتظارش است، آیا به اتهام سوراخ "ایشچی" به محاکمه کشانیده می شود و یا این که "غنی احمدزی" به مانند "اردوخان" و جفایش در حق مزدورش "دوستم"، سوراخ ایشچی را نیز نادیده خواهد گرفت، بر می گردد به تحولات عمومی در منطقه و چگونگی سمت تکامل نقش ازبیکستان در کشتارگاه افغانستان.

دیده شود چه می شود!!